پیشخوان

روایتی از شکست حزب توده در شهری مذهبی

پایان یک جریان سیاسی در سبزوار

محمدرضا کائینی

اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، می‌تواند حدیث شکست جریانی تلقی شود که داعیه پدرخواندگی داشت و در دوره‌ای، توانست بسا نخبگان و جوانان را به خویش جلب نماید. این تحقیق که کارنامه حزب توده را در سبزوار روایت می‌کند، توسط حسن شمس‌آبادی به رشته تحریر درآمده و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، آن را به چاپ رسانده است. مختصات این اثر، در دیباچه مؤلف بر آن، به شرح ذیل تبیین گشته است: «روش کار در این پژوهش توصیفی، است. کتاب از دو بخش تشکیل شده است: ۱-مدخل پژوهشی. ۲-اسناد خوب. در بخش اول که به‌عنوان مدخل پژوهشی مطرح شده، تلاش شده است براساس گردآوری و پردازش داده‌ها و اطلاعات منتج شده از اسناد، مصاحبه‌های شاهدان عینی، کتب منتشر شده در این زمینه به‌ویژه روزنامه راستی که ارگان حزب توده در مشهد بوده، روایتی روان و گویا از حزب توده در سبزوار ارائه شود. در بخش دوم کتاب حدود ۱۰۰ سند از اسناد مربوط به حزب انتخاب و عیناً آورده شده است. اسنادی که انتخاب نشده‌اند، اغلب تکراری و حاوی مطالب پیش‌پاافتاده بوده‌اند. خوانندگان می‌توانند با رجوع مستقیم به اسناد علاوه بر آگاهی از نحوه استفاده نویسنده از آنها در متن، بدون واسطه با سند تاریخی، کم و کیف آن و نکته‌های نهفته در آن آشنایی یابند. کتاب از دو فصل تشکیل شده است. در فصل اول به موضوع تشکیل حزب توده در اوایل دهه ۱۳۲۰ پرداخته شده و بعد از توضیح مختصری درباره تأسیس حزب توده در کشور و به تبع آن در خراسان، درباره فعالیت این حزب در مشهد توضیحات مفصل‌تری آمده است.

آرم حزب موسوم به توده ایران

در ادامه این فصل، حوادث و رویدادهای مرتبط با حزب در خراسان بررسی شده است. موضوعاتی همچون مؤسسان حزب، ساختار تشکیلاتی، تشکیلات زیرمجموعه حزب در این استان و شرحی از فعالیت‌های حزبی آن به‌ویژه برگزاری دو کنفرانس ایالتی و حضور فعال آن در عرصه انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، محورهای دیگر این فصل را تشکیل می‌دهد.

اهتمام نویسنده در این فصل بر اختصار و ارجاع خوانندگان به منابع موجود در این حوزه بوده؛ چراکه هدف از انتشار کتاب، آشنایی بیشتر با فعالیت‌ها و عملکرد حزب در شهرستان سبزوار بوده است. فصل دوم در واقع فصل اصلی کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. این فصل به شرح تأسیس حزب در سبزوار و نحوه گسترش آن در این شهرستان و برخی بخش‌ها و دهات پیرامونی اختصاص دارد. رقابت بین احزاب سیاسی فعال در این برهه از جمله حزب میهن و عدالت و شرح فعالیت‌های حزبی که اغلب در قالب میتینگ‌های سیاسی نمود داشته است، انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی و تبلیغ اصول و مرام حزب توده در پوشش نمایش و تئاتر و همچنین بزرگداشت‌های رهبران حزب و اعیاد ملی و مذهبی، محورهای این فصل را تشکیل می‌دهند.

در بخش پایانی کتاب، اصل تصویر برخی از اسناد مراکز سندی همچون مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سازمان اسناد ملی و آرشیو اسناد ریاست جمهوری آورده شده است. از آنجا که اغلب اسناد برای مخاطبان قابل خواندن بود، برخلاف آنچه در ابتدای این پژوهش مدنظر بود، از بازخوانی آن صرف‌نظر شد. همه اسناد در متن مدخل مورد استفاده قرار گرفته و در پاورقی ارجاع داده شده است، اما به منظور اطلاع و آشنایی بیشتر خوانندگان محترم اصل اسناد هم آورده شد. در پایان لازم است از جناب آقای دکتر موسی فقیه‌حقانی ریاست محترم پژوهشکده تاریخ معاصر ایران، جناب آقای دکتر رادمرد و جناب آقای عاملی پژوهشگر و کارشناس محترم و همچنین سایر همکارانشان تقدیر و تشکر کنم.»

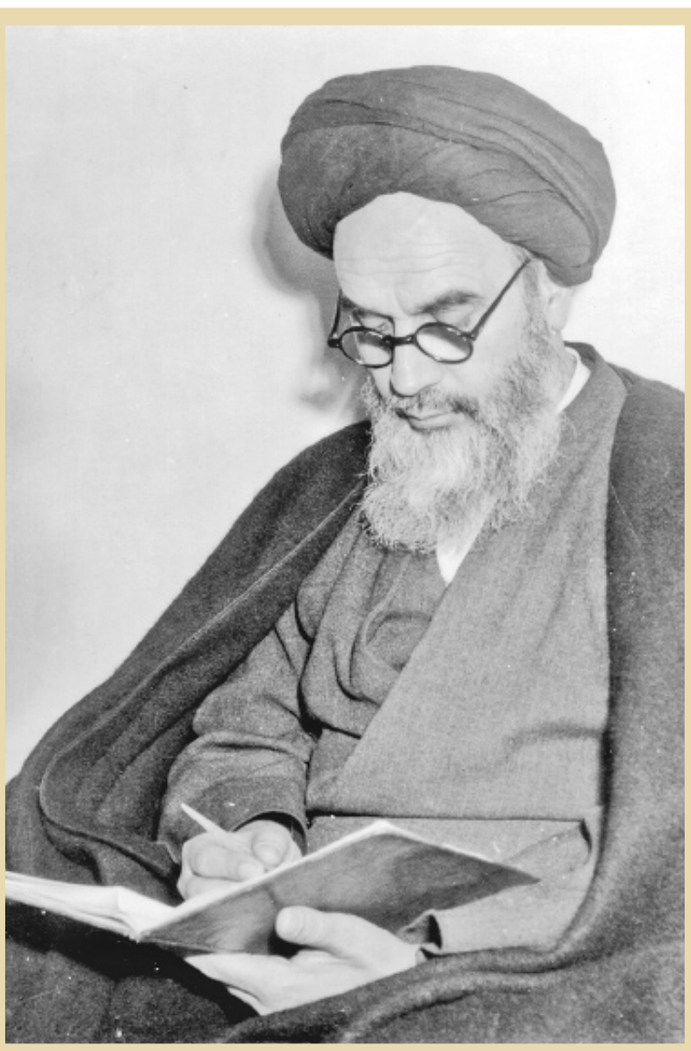

۱۳۴۲. امام خمینی در منزل شخصی

نگاهی دوباره به متن مخالفت امام خمینی با طرح ۶ ماده‌ای پهلوی دوم، این موضوع را بیشتر روشن می‌کند که استفاده ابزاری از حضور زنان در پست‌ها و مقام‌های رسمی، تنها برای نمایش دموکراسی است و واقعیت ماجرا، استبداد درهم تنیده‌ای است که حقی نه برای زن و نه برای مرد قائل است. منطق ایشان برای مخالفت با این امر، از این قرار است: «مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن‌ها داشته باشند؟ مگر آزادی زن و آزادی مرد با لفظ درست می‌شود؟»

نظری بر علل و زمینه‌های مخالفت امام خمینی با رفراندوم انقلاب سفید پهلوی دوم

تلاش بی‌فرجام پهلوی دوم برای بازسازی وجاهت نداشته!

سارا شجاعی

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالروز برگزاری به‌اصطلاح رفراندوم انقلاب سفید و مخالفت امام خمینی با آن است. بی‌تردید خوانش این رویداد، منطق مخالفت رهبر کبیر انقلاب اسلامی با پهلوی دوم را در بسیاری از موارد و وقایع، باز می‌نماید. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

مفاد یک مخالفت

«...معلوم نیست چه مقامی صلاحیت دارد رفراندوم نماید و این امری است که باید قانون معین کند؛ در ممالکی که رفراندوم قانونی است، باید به قدری به ملت مهلت داده شود که یک‌یک مواد آن موردنظر و بحث قرار گیرد و در جراید و وسایل تبلیغاتی آرا موافق و مخالف منعکس شود و به مردم برسد، نه آنکه به‌طور مبهم با چند روز فاصله بدون اطلاع ملت اجرا شود، همچنین رأی‌دهنگان باید معلوماتشان به اندازه‌ای باشد که بفهمند به چه رأی می‌دهند. بنابراین، اکثریت قاطع حق رأی دادن در این مورد را ندارد، علاوه بر این باید رأی دادن در محیط آزاد باشد و بدون هیچ‌گونه فشار، زور، تهدید و تطمیع انجام شود و در ایران این امر عملی نیست و اکثریت مردم را سازمان‌های دولتی در تمام نقاط و اطراف کشور ارعاب کرده و در فشار و مضیقه قرار داده و می‌دهند....»[۱] اگر بخواهیم در باب علت مخالفت روحانیون به رهبری امام خمینی (ره) درباره انقلاب سفید متنی روی کاغذ بیاوریم، این جمله از سخنان ایشان، خود به تنهایی گویای علت عمده مخالفت روحانیون است.

پیشینه علم کردن «انقلاب سفید»

هنگامی که جان اف کندی در ژانویه ۱۹۶۱ بر صندلی کاخ سفید تکیه زد، اندیشه فروکاستن از میزان نارضایتی عمومی کشورهایی که دولت آنها طرفدار سرمایه‌داری غرب بود، موجب ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی امریکا شد. این تغییرات که در رأس آنها اصلاحات ارضی قرار داشت، در ایران با نام انقلاب سفید و در شش اصل و در امریکای لاتین با عنوان «اتحاد برای پیشرفت» مطرح شد.[۲] به پیشنهاد امریکاییان ابتدا قرار شد مسئولیت اصلاحات به عهده نخست‌وزیر باشد تا وجهه شاه حفظ شود، ولی با مبارزه سرسختانه مرجعیت و عالمان شیعی با اولین گام اصلاحات، رژیم پهلوی عقب‌نشینی کرد. در گام بعد، مسئله رفراندوم از سوی رژیم پهلوی مطرح شد و شاه در ۱۹ دی ۱۳۴۱ در اولین کنگره شرکت‌های تعاونی روستایی، طی نطقی از مردم خواست: «برای تصویب ملی این اصلاحات حرکت کنند و آرای مثبت خود را بدهند.»[۳] شاه اصلاحات موردنظرش را که به رفراندوم می‌گذاشت، چنین تشریح کرد: «اصولی که من به‌عنوان پادشاه مملکت و رئیس قوای سه‌گانه به آرای عمومی می‌گذارم و بدون واسطه مستقیماً رأی مثبت ملت ایران را در استقرار آن تقاضا می‌کنم به شرح زیر است:

۱-الغای رژیم ارباب ـ رعیتی، با تصویب اصلاحات ارضی ایران براساس لایحه اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی ماه ۱۳۴۰ و ملحقات آن.

۲-تصویب لایحه قانون ملی کردن جنگل‌ها در سراسر کشور.

۳-تصویب لایحه قانون فروش سهام کارخانجات دولتی به‌عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی.

۴-تصویب لایحه قانون سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی.

۵-لایحه اصلاحی قانون انتخابات.

۶-لایحه ایجاد سپاه دانش به منظور تسهیل اجرای قانون تعلیمات عمومی و اجباری.»[۴]

اصولاً لوایح انقلاب سفید هیچ‌کدام طرح تازه‌ای نبود، بلکه بعد از روی کار آمدن کندی بسیاری از این لوایح سر زبان‌ها افتاده بود. حتی اصطلاح انقلاب سفید در گفته‌های امینی بارها به کار رفته بود. موضوع سپاه دانش هم از سال ۱۳۴۰ مطرح بود و اولین گروه به نام سپاه دانش در ۲۲ مهر ۱۳۴۱ تشکیل شد و لایحه سپاه دانش در سوم آبان ۱۳۴۱ قبل از رفراندوم به تصویب هیئت دولت رسید. همچنین طرح واگذاری سهام کارخانه‌های دولتی به مالکان مشمول قانون اصلاحات ارضی در پنجم آذر ۱۳۴۱ به تصویب هیئت دولت رسیده بود. طرح سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها نیز در ۱۸ ماده در ۳۰ آبان ۱۳۴۱ توسط اتاق صنایع تهیه و در ۱۷ دی ماه به تصویب هیئت دولت رسید. ملی شدن جنگل‌ها نیز در ۲۰ دی ماه به تصویب هیئت دولت رسید، بنابراین هیچ یک از اصول ششگانه انقلاب سفید موضوع جدیدی نبودند.[۵]

خاستگاه استعماری اصلاحات پهلوی دوم

یکی از عوامل مهمی که باعث شد مرجعیت شیعه با اصلاحات شاه مخالفت کند، خاستگاه استعماری آن بود. یکی از عصبانیت‌های رژیم پهلوی همین بود که امام‌خمینی بدون اینکه نسبت به ماهیت اصول انقلاب سفید موضع‌گیری کند و خود را در مقابل کشاورزان یا کارگران ببیند، رژیم را «دور می‌زد و پشت این لوایح را می‌کوبید. ایشان می‌فرمود، اجرای این لوایح اسارت است، وابستگی به امریکاست.»[۶]

گروه‌های مخالف اجرای انقلاب سفید و ریشه مخالفت آنها

پس از طرح اصول ششگانه انقلاب سفید، چند گروه با اجرای آن دست به مخالفت زدند. برخی از مخالفان، تنها به بخشی از اصول مطرح شده تاختند و برخی، اصل و اساس اجرای این اصول را، به‌طور کلی هدف اعتراض خود قرار دادند:

مالکان بزرگ و صاحبان زمین

زمین‌داران بزرگ، یکی از مخالفان اصول ششگانه انقلاب سفید محسوب می‌شدند. آنها نه با انقلاب سفید، که صرفاً با اجرای اصلاحات ارضی میانه‌ای نداشتند، وگرنه به طور سنتی، در زمره حامیان رضاخان و فرزندش بودند. اجرای اصلاحات ارضی به مخالفت مقطعی زمین‌داران و کارفرمایانی منجر شد که انجام این اصلاحات و تأسیس نظام مالیاتی را، به زیان خود می‌دیدند. هر چند که آنان پس از مشاهده نتایج این امر، آن را چندان با منافع خویش در تضاد ندیدند و به موضع اولیه خود برگشتند.[۷]

پهلوی دوم

شخص پهلوی دوم نیز از مخالفان این اصلاحات محسوب می‌شد! البته اختلاف شاه بیشتر با امینی، ارسنجانی و اجراکنندگان غیرفرمان‌بردار اصلاحات بود، نه نفس اصلاحات ارضی! زیرا امینی، اصلاحات ارضی را نقطه شروع اصلاحات اساسی در ابعاد دیگر و مبارزه با فساد اداری می‌دانست که شاه موافق آن نبود. او از آنچه امینی درصدد منتفی کردن آن بود، سود می‌برد.[۸] هم از این روی، شاه برای بی‌اعتبار کردن امینی و دستیارانش، در ابتدا به مالکان بزرگ و متحدان خود القا کرد که این اصلاحات، توطئه‌ای امریکایی است که او هیچ نقش و نفعی در آن ندارد! وی از طریق ساواک نیز، عناصر بدنام، اوباش و چاقوکشان را علیه جبهه ملی از یک‌سو و دولت امینی از سوی دیگر، به کار گرفت تا خود بتواند زمام اجرای آن را به‌گونه‌ای دلخواه در دست گیرد![۹]

جبهه ملی

جبهه ملی نیز درباره اصلاحات ارضی بسیار محتاط عمل کرد، زیرا چند نفر از اعضای شورای عالی جبهه ملی، از مالکان بزرگ بودند. از سوی دیگر رهبران این جبهه، مایل نبودند با اعضای روحانی شورای عالی جبهه ـ که برخی از آنها مخالف اصلاحات ارضی بودند ـ اختلاف پیدا کنند. بعدها مزاحی با این مضمون رایج شد که دکتر مصدق با اصلاحات ارضی مخالف است، چون بیم آن دارد که زمین‌هایش، مشمول این طرح شود.[۱۰]

علما و روحانیون

برخلاف گروه‌های منتفع از عدم اجرای اصلاحات ارضی، روحانیت و مراجع اما بدون ورود به ماهیت آن، (جز در یک مورد که خواهد آمد) با خاستگاه انقلاب سفید مخالف بودند. روحانیت با توجه به اهداف استعماری امریکا در استفاده از منابع وطنی و با این قید که طرح و اجرای این اصول، به خواست دولت امریکا و با اهداف استعماری علیه ایران بوده است، به مخالفت با اصل طرح و اجرای اصول انقلاب سفید پرداختند. بعضی از نگاه‌های سطحی، از درک علل مخالفت علما با رفراندوم انقلاب سفید، ناتوان گشته و سخن را به بیراهه کشانده‌اند! آنان مواضع علما را «مواضع ارتجاعی» تعبیر می‌کنند. واقع این بود که مراجع خصوصاً امام خمینی، با هوشیاری تمام، از مخالفت ماهوی با لوایح پرهیز داشتند و حتی بعضی از علمای تهران را که نسبت به مفاد اصلاحات ارضی حساسیت داشتند، از موضع‌گیری پرهیز می‌دادند. مرجعیت شیعه در دوران نهضت به خاستگاه، اهداف و شکل اقدامات رژیم حمله می‌کرد و نه الزاماً به محتوای آنها که می‌توانست ظاهرفریب و در نگاه عده‌ای، مثبت نیز باشد. مرجعیت شیعه در طول نهضت، تنها در فقره لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از لحاظ ماهوی به حذف قید اسلام و تبدیل قرآن مجید به کتاب آسمانی، اعتراض داشت و دومین اعتراض ماهوی، به شرکت زنان در انتخابات بود. در این‌باره نیز، استدلال امام خمینی این بود که در شرایطی که مردان آزادی سیاست‌ورزی در ایران را ندارند، حضور زنان چه مفهومی جز تبلیغاتی گمراه‌کننده می‌تواند داشته باشد؟[۱۱]

نمایش ساختگی آزادی زنان و حضور در انتخابات

در دوره پهلوی دوم، تلاش‌ها و تبلیغات بسیاری صورت گرفت تا نشان دهد زنان در ایران، نه‌تنها حق رأی دارند، بلکه به مقام‌های رسمی نیز دست یافته‌اند! باید دانست که گروه‌هایی از زنان که در این انتخابات و البته بیشتر انتصابات حضور داشتند، فاقد پویایی و استقلال لازم برای اقدامات خود بودند و صرفاً جنبه نمایشی حضور زن را تأمین می‌کردند.[۱۲] در حقیقت، شاه با وجود موافقت ظاهری با حضور اجتماعی زن به دلیل الزامات ناشی از مدرنیزه کردن کشور، به‌هیچ‌عنوان با حضور زنان در عرصه سیاست، موافقت نداشت! به گفته نیکی کدی: «شاه با وجود اینکه هیچ احترام خاصی برای زن‌ها قائل نبود، بعضاً تحت‌فشار سازمان زنان همسانی که به‌وجود آورده بود، فکر می‌کرد که تشویق زن‌ها به اشتغال در نیروی کار مملکت، می‌تواند در رشد اقتصاد ایران مؤثر بوده باشد.»[۱۳] شاه با همه ادعاهایش در مورد تساوی زنان، در یکی از مصاحبه‌های خود نشان می‌دهد هیچ اعتقادی به توانایی زنان ندارد. وی با کمال گستاخی می‌گوید: «نمی‌خواهم بی‌ادب معرفی شوم، اما زنان به‌رغم آنکه قانوناً مساوی هستند، از نظر توانایی چنین نیستند. مثلاً هرگز از بین زنان، یک میکل آنژ یا باخ برنخاسته! من حتی یک آشپز خوب در بین زنان ندیده‌ام!»[۱۴]

امام خمینی و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان

نگاهی دوباره به متن مخالفت امام خمینی با طرح شش ماده‌ای پهلوی دوم، این موضوع را بیشتر روشن می‌کند که استفاده ابزاری از حضور زنان در پست‌ها و مقام‌های رسمی، تنها برای نمایش دموکراسی است و واقعیت ماجرا، استبداد درهم تنیده‌ای است که حقی نه برای زن و نه برای مرد قائل است. همانگونه که در فصل پیشین اشارت رفت، منطق ایشان برای مخالفت با این امر، از این قرار است: «مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن‌ها داشته باشند، مگر آزادی زن و آزادی مرد با لفظ درست می‌شود؟»[۱۵]

حضرت امام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مدافع سرسخت زنان و شرکت آنان در انتخابات بود. به محض پیروزی انقلاب اسلامی درست ۲۰ روز بعد در یک سخنرانی شورانگیز در مدرسه فیضیه فرمودند: «زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. زن‌ها در جمهوری اسلامی باید رأی بدهند. همانطور که مردان حق رأی دارند، زن‌ها حق رأی دارند.»[۱۶] رهبر کبیر انقلاب اسلامی در اولین انتخابات یعنی رفراندوم جمهوری اسلامی طی پیامی به مردم ایران فرمودند: «آنچه لازم است تذکر دهم، شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در رفراندوم است.»[۱۷] بنیانگذار جمهوری اسلامی با این تأکید، توضیحی عملی به مواضع علما در قبال شرکت زنان در انتخابات رژیم محمدرضا شاه دادند.[۱۸] در واقع ریشه اصلی مخالفت‌ها، مربوط به بنیان خودکامه حکومت شاه می‌شد. در تأکید بر منطق پیش گفته، مخالفان می‌گفتند: در حالی که اکثریت مردان جامعه حق رأی و حق نمایندگی ندارند و انتخابات به شکل صوری برگزار می‌شود، دادن حق رأی و انتخاب شدن به زنان تنها فریبی برای هر چه بیشتر بزک کردن چهره استبداد و پیکره رژیم است، همانگونه که در برخی تصریحات نیز آمده است: «به‌راستی که مردان از هیچگونه حقوق سیاسی برخوردار نبودند.»[۱۹]

حاصل اجرای اصلاحات ارضی به روش پهلویستی

برنامه اصلاحات ارضی، ظاهراً کشاورزان متوسط را به عنوان یک نیروی اجتماعی به حساب می‌آورد، ولی تعداد اینگونه کشاورزان، حدود یک دهم مجموع کشاورزان ایران بود. به کشاورزان فقیر، قطعات کوچک زمین می‌رسید. کارگران کشاورز که نیروی عمده‌ای بودند، امید زمین‌دار شدن را از دست دادند و بدین ترتیب طولی نکشید که دهها هزار کشاورز بیکار و بدون زمین برای کاریابی به شهرها روی آوردند.[۲۰] کشاورزی با اجرای اصلاحات ارضی، نابود و شهرها از کشاورزان انباشته شد! این اصلاحات علاوه بر دگرگونی در الگوی مالکیت، باعث تغییرات مهمی در جمعیت کشور شد. در حالی که در اوایل دهه ۱۳۴۰، حدود ۳۰ درصد از جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کردند، در سال ۱۳۵۴ این رقم به ۴۵ درصد رسید! شاه در آغاز پروژه به اصطلاح انقلاب سفید، بسیاری از ثروتمندان زمین‌دار را با خودش مخالف کرد، با این امید که در عوض، پشتیبانی کشاورزان را جلب کند.[۲۱] کنترل قیمت محصولات کشاورزی مانند گندم، افزایش جمعیت، مهاجرت روستاییانِ بی‌زمین به شهرها، بی‌توجهی دولت به مازاد محصولات کشاورزی برای تأمین غذا، صادرات و تأمین درآمد، به دلیل استفاده از عواید نفت از مهم‌ترین مسائلی بود که سطح محصولات کشاورزی را دچار افت کرد.[۲۲]

در حالی که در اوایل دهه ۴۰، حدود ۳۰درصد از جمعیت ایران در شهرها زندگی می‌کردند، در سال ۵۴ این رقم به ۴۵درصد رسید! شاه در انقلاب سفید، امید داشت که پشتیبانی کشاورزان را جلب کند، اما کنترل قیمت محصولات کشاورزی مانند گندم، مهاجرت روستاییان بی‌زمین به شهرها و بی‌توجهی دولت به مازاد محصولات کشاورزی برای تأمین غذا از جمله مواردی بود که وی را ناکام کرد!

۱۳۴۲. پهلوی دوم در حاشیه اعطای سند مالکیت به برخی کشاورزان

منابع

۱-*امام خمینی. صحیفه نور، جلد اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۳.*

۲-*فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۳۵ و ۵۴.*

۳-*یادداشت اختصاصی روح‌الله حسینیان، واکاوی علل مخالفت مراجع با رفراندوم انقلاب سفید، منتشر شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.*

۴-*مجموعه تألیفات، نطق‌ها پیام‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات محمدرضا شاه پهلوی، ج۴، نطق ۱۹ دی ۱۳۴۱، ص ۳۰۴۶.*

۵-*روح‌الله حسینیان، همان.*

۶-*تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (از مرجعیت امام‌خمینی تا تبعید)، به نقل از: حجت‌الاسلام فاکر. به نقل از روح‌الله حسینیان.*

۷-*آوری، پیتر؛ سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱ش، ص ۱۱۴-۱۱۸. به نقل از: http://pajoohe.ir/__a-aspx.۳۶۷۸۰*

۸-*روبین، باری؛ جنگ قدرت‌ها در ایران، ترجمه محمودمشرقی، تهران، انتشارات آشتیانی، ۱۳۶۳ش، ص ۹۳. به نقل از سایت پژوهه.*

۹-*خلجی، عباس؛ اصلاحات امریکایی و قیام ۱۵ خرداد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱ش، چاپ اول، ص ۸۰ و ۸۱. به نقل از همان.*

۱۰-*رجبی، محمد حسن؛ زندگینامه سیاسی امام‌خمینی از آغاز تا تبعید، تهران، کتابخانه ملی، ج ۱۰۱۰، ۱۳۷۱ش، ج اول، ص ۱۷۱. به نقل از http://pajoohe.ir/__a-aspx.۳۶۷۸۰*

۱۱-*یادداشت اختصاصی روح‌الله حسینیان، همان.*

۱۲-*ناجی‌راد، محمدعلی، ۱۳۸۲، موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران، انتشارات کویر، ۲۵۱ به نقل از مشارکت سیاسی زنان در دوره پهلوی دوم سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، بشرا نوروزی، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۹۵، ص ۴۷.*

۱۳-*کدی، ۱۳۶۹، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، به نقل از سازمان‌های زنان در ایران عصر پهلوی، دکتر محمدحسین حافظیان، نشریه مطالعات سیاسی، زمستان ۸۷، شماره ۲.*

۱۴-*اوریانا فالاچی، مصاحبه اوریانا فالاچی؛ شاه ایران (بخش سانسور شده کتاب مصاحبه با تاریخ)، نشر آواز، ۱۳۵۷، ص ۱۴ به نقل از یادداشت اختصاصی روح‌الله حسینیان، واکاوی علل مخالفت مراجع با رفراندوم انقلاب سفید، منتشر شده در سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.*

۱۵-*صحیفه امام‌خمینی، ج۳، ص ۳۰۰.*

۱۶-*همان، ص ۴۰۸.*

۱۷-*روح‌الله حسینیان، همان.*

۱۸-*صحیفه امام‌خمینی، جلد یک، ص ۳۰۵.*

۱۹-*کاتوزیان، محمدعلی همایون ۱۳۷۶، اقتصاد سیاسی ایران ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ص ۲۷۲ به نقل از سازمان‌های زنان در ایران عصر پهلوی، همان.*

۲۰-*جیمز، بیل؛ عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، نشر کوبه، تهران، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۴۵ به نقل از http://pajoohe.ir/__a-aspx.۳۶۷۸۰*

۲۱-*میلانی، عباس؛ ابوالهول ایرانی «امیرعباس هویدا و معماری ایران»، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر پیکان، ۱۳۸۰ش، ص ۱۸۹ به نقل از همان.*

۲۲-*ازغندی، علیرضا؛ تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰ـ۱۳۵۷)، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش، چاپ دوم، ص ۲۴۵ به نقل از همان.*